

نگاه روز

درباره عضویت ایران در هیأت‌تیمسه نهاد زنان سازمان ملل
امید به باز نگری در قوانین اجتماعی زنان



من نسبت به این اتفاق که ایران توانسته است یک کرسی در هیأت‌تیمسه نهاد زنان سازمان ملل کسب کند، بسیار خوشبین هستم. قرار گرفتن ایران در آن جایگاه باعث می‌شود که مسئولان داخلی هم مجبور شوند در قوانین اجتماعی که به زنان مربوط می‌شود، بهنجوی گشایش بیشتری فراهم کنند و در برخی قوانین گذشته تجدیدنظر کنند. در داخل کشور مسئولان هر چه بخواهند می‌توانند بگویند و اعمال کنند ولی در عرصه بین‌المللی اوضاع متفاوت است. در هر موضوعی نمایندگان کشور ما مجبور هستند به نظر نهادهای بین‌المللی هم توجه کنند. وقتی نمایندگان ما نظرات، انتقادات و موافقت دیگر کشورها را در مورد زنان در حوزه‌های متفاوت می‌بینند و آن را با قوانین و موافقت داخلی جمهوری اسلامی مقایسه می‌کنند، می‌توانیم امیدوار باشیم که وضع قوانین اجتماعی زنان در داخل هم بازنگری و اصلاح شود. ما در قوانین داخلی خود در حوزه‌هایی که مرتبط به زنان است، چالش‌های زیادی داریم. البته من اشراف زیادی در این زمینه ندارم و فعالان حقوق زنان و کسالی که در مورد قوانین و موافقت جنسیتی مطالعاتی دارند، بهتر می‌توانند در این مورد سخن بگویند. اما به طور کلی به نظر من، یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که بحث‌های تمحیسی جنسیتی مردان و زنان در جامعه ما مطرح می‌شود، حوزه اشتغال و استخدام است که عدالت و برابری نسبی در آن دیده نمی‌شود. یک دختر ۲۵ ساله فارغ‌التحصیل و یک پسر ۲۵ ساله فارغ‌التحصیل که در یک رشته و یک دانشگاه هم درس خوانده باشند، شانس برابری برای کارایی و اشتغال در جامعه ندارند. فرصت‌های شغلی زنان به مراتب کمتر از فرصت‌های شغلی مردان است و در حالی است که در دانشگاه‌های ما نسبت دختران به پسران در اکثر رشته‌ها بیشتر است. در بسیاری از موارد توانایی استعداد دختران نسبت به پسران بیشتر است اما به واسطه جنسیت، فرصت شغلی کمتری دارند. بهرچنین از این استعدادهای پنهانی که

به علاوه این که کشور ما کمتر دیده می‌شود که پست‌های مدیریتی و ریاستی به زنان سپرده شود به نفع زنان و به عنوان زیر و رو نیست. سازمان‌ها و فرم‌های رایج می‌توانند به نفع زنان باشند. کمترین مسائلی را که می‌توان در مورد قوانین زنان به آن اشاره کرد، بحث اشتغال است. در دولت گذشته شاهد بودیم که یک کسری از دانشگاه‌ها دختران را در ورود به برخی رشته‌های تحصیلی محروم کردند یا دانشگاه‌ها را زانه و مردانه کردند و وقتی امکانات کم بود، بخشی که مربوط به دختران بود، حذف می‌شد. بخشی از مشکلات حوزه زنان اجتماعی است. وقتی به ساختار مجلس شورای اسلامی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که جمعاً شاید ۸.۷ نماینده زن بیشتر در مجلس نداشته باشیم که البته خیلی از آنها از نظر افکار و عقاید فکری، به برابری زنان و مردان هستند. تصور عموم این است که خلیفه‌ها نمایندند مجلس باید منافع حقوق زنان باشند اما واقعاً عکس است و آنها واقع می‌تواند تمحیسی علیه زنان می‌کند و به عملکرد آنها نگاه کرد و انتظار است. ملاحظاتی سیاسی و اجتماعی در این رابطه مطرح است. جالب این است که شعارهایی همواره در کشور ما مبنی بر آزادی واقعی زنان در جامعه طرح شده و نیز انتقاداتی از استفاده از آزادی غرب از زنان در تبلیغات ما در مقابل این اظهار نظرها می‌توان عنوان کرد که تلویزیون‌ها هم مدام همین پیام‌ها را پخش می‌کنند. به نفع تلویزیونی از آن استفاده شود در تبلیغات ما هم تلویزیونی از آن استفاده شود در تبلیغات ما هم تلویزیونی از آن استفاده شود در تبلیغات ما هم تلویزیونی از آن استفاده شود در تبلیغات ما هم تلویزیونی از آن استفاده شود در تبلیغات ما هم



افتراح
رتبه بندی، شدنی است یا نه؟

درباره طرح پیشنهادی وزیر آموزش و پرورش برای بهبود معائنات معلمان



تربیان استانی
نیاز به تغییر نگاه مسئولان

مهرداد عیسی زاده

طرح نو
شهرود

افسر افشار نادری از دو برابر شدن میزان بیکاری زنان در مقایسه با مردان ایرانی می‌گوید:

زنان ایرانی و رومانتیسم اشتغال

ادبیات اجتماعی ما نیازمند تصحیح است



۲ و ۱۴ مرد اشتغال شود این یعنی تمحیسی جنسیتی در جامعه زنان به صرف استخدام از سوی دولت یا غیر آن حاضر به بازگشت به خانه نیستند این موضع از اعلان جامعه مدیوم، اعمال این سیاست‌ها باعث نمی‌شود زنان از اشتغال یا تحصیل روگردان شوند. بنابراین چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا با اعمال برخی سیاست‌های غلط زنان راه به سمت کارهای چندین مشغول و چندین مناسب‌مسوق دادیم. در چنین شرایطی زنان مشغول به کار می‌شوند اما نه در کارهای مولد اقتصادی امروز بسیاری از کارهای ما به سمت رومانتیسم اشتغال سوق پیدا کرده‌اند. برخی از کارهایی که امروز می‌توانیم تخصص زنان را از آن یاد بگیریم، به نفع خانواده در کارهای تخصصی خاص یا باعث شدن در کارهای تخصصی در حوزه‌های دیگر است. ما می‌توانیم تخصص زنان را از آن یاد بگیریم، به نفع خانواده در کارهای تخصصی خاص یا باعث شدن در کارهای تخصصی در حوزه‌های دیگر است. ما می‌توانیم تخصص زنان را از آن یاد بگیریم، به نفع خانواده در کارهای تخصصی خاص یا باعث شدن در کارهای تخصصی در حوزه‌های دیگر است.

از این دست، هر کدام چه نقشی در بروز این وضعیت ایفا کرده‌اند. افسر افشار نادری، استاد دانشگاه و جامعه‌شناس با ما گفت تا در این باره به سوالات شهرود پاسخ می‌دهد:
اخیراً وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از دو برابر شدن میزان بیکاری زنان در مقایسه با مردان خبر داده است. به نظر شما چه دلایلی به بروز این وضعیت کمک کرده‌اند؟ اگر منطق اشتغال را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم این موقعیت باید براساس تخصص شکل بگیرد. هر کسی نتواند از عهده دار بودن این تخصص بر بیاید، واجد شرایط اشتغال است. ما این وجود به نظر می‌رسد درست مثل بسیاری از مسائل دیگر، شرایط دارا بودن تخصص سیاسی شده‌اند. ما افراد را بر اساس تخصص بلکه بر اساس جنسیت استخدام می‌کنیم. بنابراین تخصص در اولویت قرار ندارد. این مسئله بنا بر این است که باید در دانش افراد متناهی و بچهار و سه ساله ارجحی می‌دهند. به یادآور می‌شود این کار یعنی سبسی کردن بچهار شدن و در دو

• برخی از کارهایی که امروز زنان ایرانی از ناچار به انجام آن تن می‌دهند هیچ تأثیر مثبتی در حوزه اقتصادی کشور ندارد. اگر اعمال سیاستی خاصی باعث شود که مردم ایرانی به مسویری بروند که به نفع خانواده باشند قطعاً هیچ مخالفتی نیست. اما اگر طوری شرایط را بر تعریف کنیم که زنان در معرض شغل‌های نامناسب قرار بگیرند و مردان نیز بگویند یا بمانند که برخی از شما تخصص کافی ندارند و به صرف مرد بودن می‌توانید به جایگاه خاصی اجتماعی دست پیدا کنید فرجام کار چه خواهد شد؟

درنگ

سیک زندگی تغییر کرده‌ها...



سید محمدرضا حسینی
استاد خورستان
در دوران جنگ

سوالی که تاکنون بارها و بارها مطرح شده و هر بار به دلایلی به شکل تازه‌تر طرح می‌شود، این است که جامعه ایرانی و اهالی آن نسبت به سرنوشت خود و جامعه پیرامونی‌اش چقدر توجه دارد؟ پاسخی که می‌توان به این سوال داد، با توجه به شواهد و فعالیت‌های صورت گرفته در طول تاریخ ایران، بی‌شک این است که حتی اگر موارد و شواهدی وجود داشته باشد که نشان از بی‌توجهی مردم به امور پیرامونی خود و دیگر اعضای جامعه داشته باشد، باز هم نمی‌توان نتیجه گرفت که ما جامعه بی‌تفاوتی داریم و نمی‌توانیم این گزاره را به تمام مردم و جامعه ایرانی تعمیم دهیم. باید گفت مردم ایران برخلاف چنین گزاره‌هایی، بسیار به سرنوشت خود و جامعه اطراف خود حساسند و نمونه‌های فراوانی وجود دارد که این بحث را اثبات می‌کند. من هیچ‌گاه پند نمی‌روم که در جریان مربوط به ملی شدن صنعت نفت، مردم چه نقشی ایفا کردند که حکایت از حساسیت فراوان آنها نسبت به سرنوشت خود دارد. پس از آن مسائل مربوط به کودتای ۲۸ مرداد یا حتی قبل از آن جریان هشتموسه‌ها هم اهمیت دادن به جامعه پیرامونی توسط مردم ایران را تأیید می‌کند.

شاید بسیاری این موارد را مربوط به دنیای قدیم ایرانیان بدانند و در دوره جدید و مقطع کنونی نمونه‌های فراوانی برای بی‌توجهی به محیط اطراف بیابند. این گروه حتی از تباط سرد و ناسالم بین نمایندگان راه دم دلیل بر بی‌توجهی اجتماعی اعلام می‌کنند. این را امروز بسیاری از ما می‌دانیم که برخلاف گذشته همسایه‌های دیوار به دیوار یکدیگر را نمی‌شناسند و اگر یکی از آنها بشی، سسکنه کند یا به بیماری خاصی دچار شود حتی فوت کند، همسایه‌اش مطلع نمی‌شود. ما در خیابان‌های ما دیده شده که اگر اتفاقی بیفتد کسی به دیگری کمک نمی‌کند، این در موارد هست و بسیاری از ما آنها را دیده‌ایم اما برای هر کدامشان توضیحی وجود دارد که شایسته‌ی بی‌توجهی افراد نسبت به جامعه پیرامونی و دیگر اعضای جامعه نباشد. شاهد درباره همسایگان باید این موضوع را در نظر داشته باشیم که در قدیم همسایه‌ها موارد مختلفی از دیگری ندانستند و حتی اهالی یک محل جزو یک خانواده بزرگتر یا اهالی محل خود بودند و خود را متعلق به این خانواده می‌دانستند. ریش‌سفید و بزرگتری هم در محله بود که از منظر «ک‌خدمت‌نشی» موضوعات مربوط به این خانواده بزرگ را به صورتی حل می‌کرد. ما امروز خبری از این موضوعات و این نوع رفتارها نیست و افراد بیشتر تمایل دارند در پوستهای که برای خود ساخته‌اند زندگی کنند.

بخشی از این رفتارها مربوط به حسک زندگی است که عدای برای خود بر گردانده‌اند اما سختی مهم‌تر آن به دلیل موارد و مسائلی است که افزاینده آن آلوده شده‌اند. ما گروهی در جامعه ایرانی داریم که به مسور زمان به این دلیل که مسوولیتی در گذشته (یا حال) داشته‌اند یا رانتهایی دسترسی یافته‌اند، به ناکه تغییرات بزرگی در زندگی‌شان نمایان شده است. افرادی هستند که تا امروز خودرو و پیکان قدیمی و معمولی تمام زندگی‌شان بوده اما در زمان کوتاهی ناگهان خودرو و کبلی با ساری با کزادی که این موضوع بسیار برای اعضای که اطلاعات زندگی خصوصی خود را در اختیار افراد قرار ندهند یا دوست نداشته باشند چنین افرادی از اختیار کردن فرجام کار ما از اعدای خودی از این طبقه‌ها چنین اطلاعاتی قرار ندهند تا مسایلی جامعه پیرامون خود ایجاد کنند. به همین دلیل افرادی که با هر چار نوعی از آلودگی هستند (فصلی یا هر شکل دیگر) کار مستقیم در اختیار افرادی که بی‌توجهی خود خولسته‌اند را می‌دانند بنابراین چنین مسواری را نمی‌توان به بی‌توجهی اجتماعی یا بی‌توجهی به سرنوشت جامعه ارتباط داد. در مورد چنین مواردی باید از حضور مردم در بزنگاههای اجتماعی مردم به درگشتان جامعه اهمیت‌تان مردم به سرنوشت جامعه خود است. من در زمان جنگ، استاذ خورستان بودم و به یاد گرفته که مردم چقدر به این زمینه قناعت ندارند بدون چشماندازی انجام می‌دهند. سرازه دوری بودم. مردم می‌توان نقش مردم در ۲۴ خرداد ۱۳۳۲ گذاشت.